

بررسی مبانی معرفتی وحدت امت اسلامی در آیات و روایات

بررسی مبانی معرفتی وحدت امت اسلامی در آیات و روایات

دکتر محمد هادی فلاح زاده

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم

راضیه علی اکبری

دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

وحدت اسلامی، از ارزش‌های بنیادینی است که سهم عظیمی از معارف و آموزه‌های اسلامی را به خود اختصاص داده و همواره در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، بر مبانی خود استوار بوده است. از آنجا که تحقق هر ایده و اندیشه‌ای باید مبتنی بر مبانی نظری باشد، برای ایده وحدت نیز می‌توان از مجموع منابع دینی، اساسی اسلامی به دست آورد. هر چند در آموزه‌های اسلامی به صورت مدوّن، به تبیین آن پرداخته نشده است. چنانچه تأکید آموزه‌های اسلامی بر رعایت معیارهای اخلاقی و عملی در رفتار با مسلمانان، گویای اهمیت وحدتی است که بر مبانی اصولی مشترک مذاهب استوار است. «وحدانیت خدا، رسالت پیامبر-ص، اعتقاد به قرآن، قبله ی واحد، محبت اهل بیت-ع و پایداری در مقابل دشمن مشترک» از جمله برجسته‌ترین اصول مشترک اعتقادی و ارزشی است که تمام مسلمانان جهان نسبت به آن اتفاق نظر

دارند و وحدت اسلامي همواره، بر اين مباني استوار بوده است. ايده مقاله حاضر که به روش تحلیلي-توصيفي به نگارش در آمده، اين است که مهمترين راهکار تحقق و تحکيم وحدت اسلامي، توجه و تأکيد بر مباني فکري مشترک میان مسلمانان است که بي ترديد تأکيد بر آن و پرهيز از افتراقات، بستر مناسبی جهت ايجاد تقريب مذاهب فراهم خواهد آورد.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامي، مباني نظري، توحيد، نبوت، اهل بيت-ع-، دشمن مشترک.

مقدمه

امروزه دشمنان اسلام، نه تنها مسلمانان، بلکه اسلام و قرآن و آرمان هاي ارزشمند اسلامي را نشانه گرفته اند و در اين میان برخي افراد جاهل و متعصب با استناد به دلایلي بي اساس، همبستگی امت پیامبر-ص- را برهم می زنند و از اين طريق اسلام ستيزان را به اهدافشان نزديک می کنند. بر همين اساس ضروري است تحقيقات و پژوهش هاي گسترده اي در حوزه وحدت اسلامي، با بررسی تمام ابعاد آن، از جمله تبیین مباني اصولي وحدت اسلامي شکل بگیرد.

جامع ترین پشتوانه هاي ديني (قرآن و سنت) به وضوح وحدت مسلمين را تأکيد می کنند و از جانب خداوند رهنمودهاي بسياري در جهت تحقق اين امر نازل شده است. یک نکته قابل توجه در وحدت اين است که همانگونه که تمامي تعاليم قرآن و سنت، علي رغم اعتبار و اهميت در جایگاه خود، اما از اهميت یکساني برخوردار نیستند؛ مسلمانان نیز با اینکه در باورها و ارزش ها دارای مراتب مختلف هستند، اما در "مباني" مشترک اند. مباني اي که ریشه در همان باورها و ارزش ها دارد. تکیه بر مباني وحدت در تقويت همبستگی میان مسلمانان نقش بسزايي دارد، چرا که موجب تقويت اشتراکات مذهبي و تضعيف اختلافات می شود.

تحقق وحدت اسلامي منوط به اين است که عالمان ديني و روشنفکران مذهبي، تلاش همه جانبه اي را براي شناساندن اسلام اصیل و اصول و ارزش هاي ديني مشترک میان مذاهب انجام داده و ضمن تعميق اطلاعات ديني مردم و ارتقاء سطح فرهنگ مسلمانان جهان، بسياري از بدبيني ها و تعصبات ناروا را برطرف کرده و زمينه وحدت حقيقي را فراهم سازند. چرا که ناآشنايي پيروان هریک از مذاهب اسلامي به اسلام يا مباني فکري و دیدگاه هاي اعتقادي هم، زمينه ساز بسياري از نفي و طردها و طرح مسائل اختلاف انگيز است و اين خطر، تنها، با بحث و بررسی پيرامون مباني اسلام و تعميق اطلاعات پيروان مذاهب مختلف در اين زمينه از بين خواهد رفت. در اين زمينه کلام آيت الله خامنه اي (مد ظله العالی) قابل توجه است:

«اتحاد، به معنای انصراف مسلمین و فرق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خود نیست، بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین شود: اول اینکه فرق گوناگون اسلامی (سنی و شیعه) - که هر کدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند - حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقهها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود. (خامنه ای، 1375، ج2، ص229-230). در این کلام در قالب مفهوم وحدت، به دو بخش ارزش ها و باورهای مشترک مذاهب اسلامی اشاره شده است. پایداری در مقابل دشمن مشترک، به عنوان یکی از مهمترین ارزش های مشترک، در کنار تقریب باور مشترک مذاهب مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو در پژوهش حاضر سعی بر این است که در حد امکان، با توجه به منابع اسلامی مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار بگیرد. به این جهت در ادامه به بررسی مبانی وحدت اسلامی در دو قسمت باورهای مشترک و ارزش های مشترک می پردازیم.

1. باورهای مشترک

الف. خدای واحد

«توحید» دیدگاهی وحدت گراست و به مثابه مرکزیت نظام تکوین و تشریح امت واحده اسلامی به شمار می رود. قرآن کریم یکی از راه های همبستگی را پیروی از این نظریه دانسته و به آن سفارش نموده است: «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ؛ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید، و از راه های پراکنده (انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد» (انعام/ 153). در این آیه خداوند دستور به پیروی از صراط مستقیم نموده که همان توحید است و پیروی از غیر آن را موجب اختلاف و نفاق می داند و بر همین اساس از اهل کتاب می طلبد به کلمه توحید که وجه جامع و مشترک میان آنان و مسلمانان می باشد باز گردند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ - وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا؛ بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم» (آل عمران/ 64). در این دو آیه، قرآن کریم مفهوم همبستگی میان مسلمانان، (و حتی با سایر ادیان الهی) را تنها در این چارچوب و با این تفسیر و تبیین پذیرفته است، چرا که از نظر اسلام، صرفاً به اجتماع مسلمانان و اتفاق آنان بر هر مسأله ای نباید قانع بود، بلکه آنچه در این عرصه اهمیت فراوان دارد

اتفاق آنان «برای خدا» و «در راه خدا» است.

خداوند روح تمام تعالیم اسلام را «توحید» بیان نموده و آئینی که از این محور فاصله داشته باشد را نمی پذیرد: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ؛ آنها که آئین و مذهب خود را پراکنده کردند و به دسته های مختلف تقسیم شدند در هیچ چیز با آنها ارتباطی نداری و آنها نیز هیچ گونه ارتباط با مکتب تو ندارند.» (انعام/ 159) در این آیه خداوند این حقیقت را که «توحید» محور و اساس اسلام و آئین وحدت و یگانگی است و از هر گونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است، با تأکید تمام بازگو می کند و به پیامبر-ص- می فرماید برنامه و کار تو هیچ گونه شباهتی با افراد تفرقه انداز ندارد، چون توحید نه تنها یکی از اصول اسلام است، بلکه تمام اصول و فروع اسلام و همه برنامه های دین بر محور توحید است.

امام خمینی(ره) شرط قدرت یافتن مسلمانان را روی آوردن به توحید اعلام نمود: «اگر همه ملت های اسلامی اغراض شخصی را کنار بگذارند و همه با هم به اسلام رو بیاورند و تحت لوای «لا إله إلا الله» باشند، قدرت اول را در دنیا احراز می کنند؛ برای اینکه معنویت اسلام کمک آنهاست و خدای تبارک و تعالی پشتیبان» (خمینی، 1378، ج 7، ص 124)؛ امام، وحدت در عقیده را عامل وحدت در عمل می دانند: «باید وحدت کلمه داشته باشیم؛ وجهه ما یک چیز باشد: «الله»». اگر دیدید در یک قیامی حزب حزب شد، بدانید خدا در کار نیست. اگر همه با هم متوجه یک نقطه باشند، دعوت به وحدت کلمه است، به وحدت عقیده است. وحدت عقیده، وحدت کلمه می آورد» (خمینی، 1378، ج 5، ص 510 - 512). امام در جای دیگر عامل دوام وحدت را محوریت الله اعلام نمودند: «اگر برای خدا وحدت داشته باشیم، هر کیدی در مقابل ما خنثی است؛ برای اینکه این دشمنی دشمنی با خداست؛ وقتی ما برای خدا این کار را کردیم، کسی اگر مخالفت کند، مخالفت با خدا کرده است. این وحدت دوام دار است، چون پشتوانه اش دائم است» (خمینی، 1378، ج 19، ص 207 - 208).

آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) نیز در این زمینه می فرماید: «امروز دردهای کهنه دنیا و زخم های بشریت، بازگشت به خداست (فَافِرُّوا إِلَى اللَّهِ) باید به خدا برگردند، بشریت باید با خدا و ایمان و معنویت آشتی کند، کسانی که انسان ها را عمداً از معنویت و ایمان و توجه به خدا دور کردند، این نتیجه کار آنهاست. چیزهایی است که برای بشریت پیش می آید، یک روز در این گوشه دنیا، یک روز در آن گوشه دنیا، باید به خدا و معنویت برگردند. علاج دردهای بشریت، توجه به خدا و بازگشت به ایمان است» (مورخ 28 / 6 / 1380). بنابراین عامل پیوستگی مسلمانان بازگشت به خدا است.

(ب). پیامبر اسلام-صلي الله عليه و آله-:

پیامبر اسلام-ص- به عنوان اولین منادی وحدت، برای تحقق آن، سخت‌ترین مصائب را تحمل کرد و نسبت به خطراتی که امت اسلامی را تهدید می‌کرد هشدار می‌داد. تاریخ اسلام شاهد است که حضرت چگونه با جلوگیری از افتراق، صفوف مسلمین را به بنیان مرصوص تبدیل کرد و از ثمرات وحدت، به نفع اسلام و تحکیم مبانی سیاسی- اجتماعی امت بهره گرفت و به وسیله وحدت، قدرت و عزت اسلام در همه صحنه‌ها اعم از محراب عبادت و میدان جنگ و در همه تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، جلوه‌گر گردید. مهمترین عملکردهای تقریبی پیامبر اکرم-ص- عبارتند از:

1. تأسیس مسجد (قبا) و تأکید بر اجتماع مسلمانان در نمازهای جمعه و جماعت؛ این امر وحدت فکری مسلمانان و نزدیک شدن هر چه بیشتر آنان به یکدیگر را فراهم می‌کرد (صفا، 1383، ص 2).

2. تشکیل «امت واحده اسلامی» که بر اساس معیارهای قرآنی، پایه بنیادین ساختار اجتماعی است. امت واحده، جامعه‌ای است که از هدایت رهبر واحدی برخوردار است و در حرکتی همسو به سوی هدفی واحد حرکت می‌کند (طباطبایی، 1372، ج 2، ص 185). رسول اکرم-ص- پس از مهاجرت به مدینه، بر مبنای تعالیم قرآن کریم منشوری اساسی تدوین فرمود و قبائل مختلف آن نواحی را به هم پیوند داد و امت واحدی تشکیل شد که محور آن به جای ملیت و نژاد، ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح بود (ابن هشام، 1375، ج 1، ص 501).

جان دیون پورت، دانشمند معروف انگلیسی در بیان این موضوع می‌گوید: محمد-ص- در پرتو اتحاد قبایل پراکنده کوچک، برهنه و گرسنه، کشور خود را به جامعه‌ای فشرده و با انضباط تبدیل کرد و در میان ملل روی زمین، ایشان را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، امپراتور قسطنطنیه را مغلوب، سلاطین ایران را نابود، و سوریه و بین‌النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را گسترش داد (دیون پورت، 1388، ص 77).

3. ایجاد پیوند برادری میان مسلمانان؛ پیامبر اسلام-ص- عداوتی که از دوران جاهلیت بین مسلمانان مانده بود را تبدیل به رحمت و الفت نمود. پیمان برادری، با درهم و دینار و ارزش‌های مادی به دست نیامد، بلکه این پیمان، رنگ الهی داشت، همان گونه که قرآن کریم اینگونه از آن سخن به میان آورده است: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَهُمْ إِلَّا بِذِهِمْ» و میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است» (انفال 63). اندیشه اصلی حضرت متحد کردن صفوف مسلمانان و

استوار ساختن وحدت آنها براي نابود کردن هر شبهه اي بود که مي توانست آتش کينه ها و عداوت هاي پيشين را از نو شعله ور سازد (امين، 1376، ج 1، ص 87). بدین ترتيب عقد اخوت، باعث ايجاد محبت و نزديکي ميان مسلمانان شد و وحدت گرايي در عمق تعاملات و روابط اقشار مختلف جامعه اسلامي ريشه دواند (سيحاني، بي تا، ص 214؛ ابن هشام، 1375، ج 2، ص 123). به گونه اي که مي توان گفت رمز پيروي و سرافرازي مسلمين در صدر اسلام، همدلي و وفايي بود که در سايه ايمان به خدا و دل سپردن به پيام آسماني و نصايح حکيما نه پيغمبر-ص- و دست شستن از آمال و مقاصد قبيله اي و فرقه اي حاصل گشت.

4. مرجع قانوني بودن رسول اکرم -ص- براي حل اختلافات مسلمين: «فَاِِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء/ 59). پيامبر اکرم-ص- تمام زمينه هاي فکري، اجتماعي و تاريخي اختلاف و نفاق را با بهره گيري از تعاليم آسماني اسلام از بين برد و با بي ارزش دانستن معيارهاي عصر جاهلي، تمايزات و اختلافات فکري و اجتماعي و اقتصادي جامعه را باطل، و ارزش هاي الهي را جاگزين آن کرد. چنانچه خداوند نیز اعلام مي کند: «وَمَا آتَا نَزْلًا نَّزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر براي اينکه آنچه را در آن اختلاف دارند براي آنها روشن کنی» (نحل/ 64). اين آيه بيان مي کند اگر اقوام و ملت ها، تعصب و سليقه هاي شخصي خود را کنار بگذارند و متوسل به پيامبران شوند، اثري از اختلاف باقي نخواهد ماند و پيامبر-ص- نیز براي حل اين اختلافات و راهنمائي مردم، از کتاب خدا بهره مي جويد.

5. مبارزه با عادت ها و تعصبات جاهلي؛ سيره پيامبر اکرم-ص- نشان مي دهد که ايشان از هر چيزي که مانع حاکميت الهي باشد، از جمله عصبيت نژادي و زباني به شدت نکوهش کرده و مي فرمايد: «اگر در قلب کسي ذره اي از عصبيت باشد، خداوند او را در قيامت با اعراب زمان جاهليت محشور مي کند» (کليني، 1373، ج 2، ص 28). چرا که شخص متعصب هرچند به زبان اسلام را قبول داشته باشد، در حقيقت و باطن خود تسليم حق نمي شود و حق را زماني مي پذيرد که به نفع خود و قوم و نژادش باشد. اگر دستوري بر عليه ارزش ها و باورهاي متعصبانه او صادر شود از پذيرش آن سرباز زده، آن را رد خواهد کرد.

(ج). کتاب واحد

باور مشترک به اين که قرآن موجود در نزد پيروان تمام فرق اسلامي به عنوان اساسي ترين منبع ديني مسلمانان، همان وحی نازل شده بر رسول است -ص- مي باشد مبناي ديگر تقريبات مذاهب است. در تفکر توحيد ي مسلمانان، قرآن به عنوان وحی خطا ناپذير الهي، برترين منبع و ملاک ارزشي منابع مشترک ديگر است که

خداوند، خود را به عنوان حافظ آن معرفی می‌کند: «إِنَّمَا نَحْنُ نَزَرٌ لَّنَا الذِّكْرُ» (حجر/9). وحدت‌سازي این باور از آن جهت است که همه ي مسلمانان زندگي فردي و اجتماعي خود را بر اساس این کتاب الهي تنظيم مي‌کنند. کتابي که پایه گذار وحدت میان امت اسلامي است و در بیش از 50 آیه به موضوع وحدت و روش هاي پیش‌گيري از اختلاف و چگونگي ایجاد اتحاد اشاره دارد و در قالب الفاظي چون «اعتصموا» (آل عمران/ 103)، «أصلحوا» (حجرات/ 9 و 10)، «رابطوا» (انفال/ 11؛ آل عمران/ 200؛ کهف/ 14)، «تعاونوا» (مائده، 2)، «السلم» (بقره/ 208)، «اصلاح بين الناس» (بقره/ 224؛ نساء/ 114؛ انفال/ 1)، «الصف بين قلوبکم» (انفال/ 63؛ توبه/ 60؛ قريش/ 1 و 2؛ آل عمران/ 103)، «امّه واحد» (انبیاء/ 92؛ مؤمنون/ 52؛ آل عمران/ 73؛ حجرات/ 10)، «اخوت» (احزاب/ 5؛ حجر/ 47؛ توبه/ 11؛ شوري/ 23)، بر وحدت میان مسلمانان تأکید کرده است.

بر اساس آیات مذکور، کسانی که خدا، پیامبر، کتاب و قبله شان یکی است، بایستی وحدت کلمه داشته باشند؛ چنانچه می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي»؛ این است امت شما که امتي واحده (یگانه) است [با یک هدف و یک خدا]، و من پروردگار شمايم، پس مرا بپرستید» (انبیاء/ 92) و «وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِي»؛ و در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است، و من پروردگار شمايم پس، از من پروا دارید». (مؤمنون/ ۵۲) در این دعوت، وحدت به مذهب خاصی محدود نشده و معیار امت واحده، اعتقاد به وحدانیت الهي بیان شده است. از سوي دیگر وحدت امت در ردیف توحید فرار گرفته و پرستش خدا متوقف بر این یگانگی شده است. بنابراین می‌توان گفت وحدت، یک موعظه ي صرف نیست، بلکه تکلیف است و همان‌گونه که مسلمانان موظفند بر اساس توحید، خدا را عبادت کنند، وظیفه دارند در تحصیل وحدت نیز بکوشند.

قرآن از وحدت به عنوان نعمت یاد می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد با یادآوری دوران تفرقه، در حفظ اتحاد بکوشند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»؛ و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه هاي متفرق نروید و به یاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما باهم دشمن بودید و خدا در دل هاي شما الفت و مهرباني انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید». (آل عمران/ ۱۰۳) در این آیه واژه «حبل» به معنای وسیله ای است که انسان توسط آن به مقصد و حاجت خود می‌رسد، مانند ریسمانی که انسان با چنگ زدن به آن، خود را از ته چاهی نجات دهد (طبرسی، 1333، ج 1، ص 803؛ شوکانی، 1419، ج 2، ص 474). از عبارت «حبل اللّٰه» بر می‌آید که محور وحدت «دین خدا» است؛ نه نژاد، زبان، ملیت و...؛ (قرائتی، 1383، ج 2، ص 124، نک: آل عمران/ 103) البته برای عبارت «حبل اللّٰه» در این آیه، چندین معنا ذکر شده است، از جمله: عهد، اطاعت از خدا، اخلاص در برابر او (سیوطی، 1365، ج 2، ص 271)، مکتب توحیدی اسلام، اهل

بیت -ع- و قرآن (طبرسي، 1333، ج 1-2، ص 805). به نظر مي آيد بارزترين مصداق «حبل ا» خود قرآن است. چنانچه علامه طباطبائي مي گويد: «حبل» (ريسمان) خدا، همان قرآن نازل شده از طرف خداست و اين آيات قرآن است که (همانند یک ريسمان)، بنده و خدا را به همدیگر وصل مي کند... اعتصام به خدا، همان تمسک به آيات خدا و رسولش (کتاب و سنت) است که در آن هدايت تضمين شده است» (طباطبائي، 1372، ج 3، ص 369؛ ج 4، ص 389). همچنين سخن رسول خدا-ص- دليل بر اين مطلب است که فرمود: «کتاب ا هو حبل ا الممدود من السماء إلى الارض؛ کتاب خدا، همان ريسمان الهي است که از آسمان تا زمين کشيده شده است» (طبري، 1415، ج 4، ص 43) اين آيه (و اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) در دعوت مسلمانان به وحدت، پيام هاي بسياري در بر دارد که برخي از روشن ترين آنها عبارتند از:

یک: در عبارت «واعتصموا بحبل ا...» موقعيت مسلمانان در تمسک به کتاب ا و در متحد بودنشان نسبت به یکدیگر، به حالت کسي تشبيه شده که از مکان بلند، به ريسمان محکمي چنگ مي زند که مایه امنيت است و از سقوط او جلوگیری مي کند (رشيد رضا، 1393، ج 4، ص 20)؛ و يا حال کسي که در عبور از مسير بسيار خطرناک و پرتگاه هولناکي، همواره ترس سقوط دارد، ولي با گرفتن طنابي که دو طرف آن در جايي محکم و استوار است، با اطمینان خاطر از آنجا عبور مي کند و خود را به مقصد مي رساند. مسير و طريق سعادتي که خداوند در اين آيه پيشنهاد مي کند شبیه همان مسير خطرناکي است که تمسک به کتاب خدا (و اسلام) باعث نجات مي شود (فخر رازي، 1421، ج 4، ص 151).

دو: خداوند نحوه تمسک و چنگ زدن به اين ريسمان محکم را با واژه «اعتصام» که از ريشه «عصمت» است بيان کرده است؛ با اينکه مي توانست آن را با کلمه «تمسکوا» و يا عبارت هاي ديگر اظهار نمايد. چنين تعبيري اين نکته را مي فهماند که اگر مسلمانان با وحدت و همدلي تمام و تهی از هرگونه اختلاف و غرض هاي سوء، به حبل ا چنگ بزنند، بايد بدانند که از آفت ها و لغزش ها در امان مانده و بیمه شده اند. به گفته ي سيدقطب، خداوند با اعتصام به اين نعمت است که بر مسلمانان صدر اول منت نهاده است. لذا صرف تجمع به هر شکلي مطلوب نيست، بلکه بايد بر اساس عصمت باشد (قطب، 1412، ج 2، ص 25).

سه: عبارت «واعتصموا» (تمسک شويد)، از یک طرف در قالب فرمان و دستور بيان شده و از سوي ديگر به صورت خطاب جمعي به ملت مسلمان است. از طرف ديگر، همان فرمان عمومي را با کلمه «جميعا» تأکيد کرده تا بفهماند که اولاً اين تمسک بايد دسته جمعي و از سوي همه مسلمانان صورت گيرد؛ ثانياً چون در آيه شريفه هيچ قيد زمان و مکاني لحاظ نشده، اين تمسک، زماني در حالات اجتماعي و سياسي مسلمانان تأثير مثبت مي گذارد که در طول تاريخ و در همه شرايط انجام گيرد. شيخ طوسي آيه را به تمسک دست جمعي معنا مي کند (طوسي، 1409، ج 2، ص 549) و شايد همين نکته در آيه باعث شده عده اي از مفسران بر اساس رواياتي، «حبل ا» را به «جماعت» تفسير کنند (سيوطي، 1365، ج 2، ص 107؛ طبري، 1415، ج 4، ص 39) و

هدفشان بیان این مطلب است که «جماعت»، خود ریسمان محکم الهی است و کسانی که با هم همسو و هم جهت باشند، نجات یافته اند (زمخشری، 1366، ج 1، ص 450-451).

چهار: در این آیه از اتحاد و همبستگی یا رفع اختلافات و درگیری میان پیروان اسلام یا تمسک به حبل ا[]، به «نعمت» تعبیر شده است. هرچند شأن نزول آیه درباره دو قبیله اوس و خزرج است، ولی خطاب آیه به عموم مسلمانان است (واعتصموا... جمیعاً) (سیوطی، 1365، ج 2، ص 10؛ مکارم شیرازی، 1366، ج 3، ص 38). طبیعی است که خوان این نعمت الهی همچنان گسترده است و کافی است مسلمانان از خود این شایستگی و کفایت را به نمایش بگذارند و از این نعمت بزرگ بهره مند گردند. این نکته که واژه «نعمت» دو بار در آیه ذکر شده، خود دلیل اهمیت فراوان آن است.

مفسر المیزان جمله «و اذکروا نعمت ا[] علیکم...» را علت دعوت به اعتصام به حبل ا[] می داند و اینکه خداوند می خواهد پیروان قرآن را به حقیقت دین و سعادت دین برای انسان در نظر دارد، آشنا کند و از تقلید و پیروی کورکورانه باز دارد، می خواهد بفرماید: اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می خوانیم بی دلیل نیست. دلیل اینکه شما را بدان دعوت کرده ایم همین است که خود به چشم خویش ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه به لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد از آتش نجات یافتید. بدانید که این تمسک به حبل ا[] و اتحاد شما نعمتی از ناحیه ماست و متوجه شوید که تمامی دستورهایی که به شما می دهیم، به نفع شماست و سعادت و رستگاری شما را تأمین می کند (طباطبایی، 1372، ج 3، ص 572-575).

پنج: در پایان آیه خداوند پیامد عدم اتحاد مسلمانان را بیان می دارد و خاطر نشان می سازد که از آنچه بر گذشتگان (اوس و خزرج) رفته است، عبرت بگیرید؛ آنان بر اثر اختلاف شدید، نزدیک به هلاکت بودند، ولی در سایه لطف خدا و ظهور اسلام نجات یافتند (... وَ كُنْتُمْ عَلَي شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُم مِّنْهَا). جمله «من النار» را برخی به آتش آخرت تفسیر کرده اند (سیوطی، 1365، ج 2، ص 109)، اما علامه طباطبایی آن را به پرهیز از جنگ و نزاع تفسیر می کند (طباطبایی، 1372، ج 3، ص 575).

(د). قبله واحد:

تمام مسلمانان جهان رو به سوی یک قبله نماز می خوانند و در ایام حج به دور یک قبله طواف می کنند. حضرت علی-ع- درباره اهمیت قبله واحد مسلمین می فرماید: «وَ جَعَلَهُ سُجَّانَةً وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا؛ خداوند کعبه را پرچم اسلام قرار داده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱). همان طور که

پرچم‌ها رمز اتحاد و یگانگی جمعیت‌ها و نشانه‌ی همبستگی آنهاست و بر پا بودن آن علامت حیات آنهاست، کعبه برای اسلام نماد وحدت مسلمانان است و فلسفه قبله، ایجاد وحدت و همسویی میان امت اسلامی است (مطهری، 1385، ج ۲، ص ۲۱۶). چرا که اگر در هنگام نماز، هر کسی به یک سمت می‌ایستاد، گرچه همه رو به سوی خدا بودند، اما ظاهر آنان حکایت از تفرقه داشت. هماهنگی و وحدت ظاهری، تأثیر شگفت‌آوری در ایجاد وحدت روحی و حقیقی دارد. به همین دلیل در اسلام مقرر شده است که همه‌ی مسلمانان در شرق و غرب جهان، در هر نقطه و مکان، رو به سوی کعبه نماز بگذارند و پس از مرگ هم رو به سوی کعبه دفن شوند. آیین مترقی اسلام از این طریق، یک وحدت عظیم و جهانی را با محوریت کعبه پی‌ریزی کرده است (خسروی، 1387، ص 43).

پرستش‌خدا و تجلّی‌رابطه‌بندگی با خدا در قالب نماز، یکی از استوارترین مبانی همسویی مسلمانان است. در هیچ آیینی مانند اسلام چنین برنامه‌عبادی وحدت‌آفرینی در اشکال مختلف نمازهای یومیه، عید و جمعه، آن هم به صورت دسته‌جمعی در یک صف فشرده وجود ندارد؛ بنابراین نماز رو به سوی قبله مشترک، شعار عملی همدلی مسلمانان است (نساء / 103).

حج نیز نمایی از اقتدار و یکرنگی مسلمانان جهان است. حضرت علی-ع- در اهمیت مسئله حج می‌فرماید: «الحج تقویه‌الدین؛ فلسفه‌ی حج، تقویت دین است» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۴۹). شهید مطهری در توضیح این کلام می‌نویسد: «اندک مطالعه در وضع حج، به ما می‌فهماند که منظور شارع مقدس اسلام از تشریح حج این بوده که مسلمانان به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و وسیله‌ای به وجود آید که مسلمانان عالم، یکدیگر را در یک نقطه ملاقات کنند و پیوندشان محکم‌تر گردد و به این وسیله اسلام قدرتمند می‌گردد» (مطهری، 1385، ج ۲، ص ۲۱۵).

تمام مسلمانان به نشانه مبارزه با شرک و استکبار و نیز گرامی‌داشت تلاش‌های ابراهیم خلیل و فرزند و خانواده‌اش، سالانه بزرگترین مانور همبستگی خود را به رخ مستکبران تاریخ می‌کشند؛ مسلمانان در این گردهمایی، با دورکردن تعلقات، از یک سواقتدار و همسویی خویش را به نمایش می‌گذارند، و از سوی دیگر با رنگ‌ها و چهره‌های مختلف و زبان‌های متفاوت و مذاهب متنوع، اما هم‌صدا و همدل و همسو، سر به آستانه‌یک قدرت یعنی «خدا» می‌سایند و از این طریق در مقابل همه قدرت‌ها جز قدرت او می‌ایستند. قرآن نیز یکی از اهداف حج را برائت از مشرکین اعلام می‌دارد و پیروان اسلام را به این کنگره فرا می‌خواند تا ضمن همبستگی، از مشرکان غفلت نکنند: «وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ : و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و

پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد و کسانی را که کفر ورزیدند از عذاب دردناک خبر ده». (توبه / 3). بنابراین حج و نماز رو به قبله واحد، نقطه ی عطفی برای ارتباطات مسلمانان و تقویت روح برادری میان آنان است.

2. ارزش های مشترک

الف) محبت اهل بیت-علیهم السلام-

محبت و ولایت اهل بیت پیامبر اسلام-ع- به عنوان یکی از مبانی ارزشی وحدت جامعه اسلامی، گامی مؤثر در مسیر تفاهم شیعه و سنی است. واژه «ولایت» لفظ مشترکی است که هم به فتح واو و هم به کسر آن آمده است. اگر به فتح باشد، مصدر و به معنای محبت و یاری دادن است و اگر به کسر باشد، اسم و به معنای رهبری و سرپرستی می باشد (ابن منظور، 1405، ج15، ص 407). ولایت به معنای رهبری، از اعتقادات ضروری و خاص مذهب شیعه است؛ اما ولایت به معنای دوستی خاندان رسول خدا-ص- مختص مذهب خاصی نیست، بلکه مورد اتفاق تمامی فرق اسلامی است (زمخشری، 1366، ج4، ص 22؛ قرطبی، 1422، ج16، ص 16).

پرداختن به این موضوع در کتابهای اهل سنت، گویای محبت آنها به خاندان رسول خدا-ص- در میان فرق اسلامی است؛ از جمله کتاب های مطرح در این زمینه عبارتند از: ینایع المودّه از سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، خصائص از نسائی، العبره فی فضائل العتره از علامه عبداﷲ حمصی، موده القریبی از سید علی حسینی همدانی، نزول القرآن فی مناقب اهل البیت از ابونعیم اصفهانی، فضائل علی از جلال الدین سیوطی، محسن الاطهار فی تفصیل مناقب الائمة الاطهار از حمید الدین بن احمد شهید یمانی، مناقب علی از احمد بن حنبل، مناقب علی بن ابی طالب از ابن غزالی شافعی و ... (قفاری، 1418، ص 108؛ قربانی، 1380، ص 64؛ حسینی فیروزآبادی، 1379، ص73).

در برخی تفاسیر اهل سنت، احادیثی نقل شده است که حکایت از محبت آنان به اهل بیت پیامبر اسلام-ع- دارد. برای نمونه زمخشری در تفسیر الکشاف، از رسول اﷺ -ص- روایاتی نقل کرده است که با مضامین مختلف چنین آمده است: «هر کس با محبت خاندان محمد-ص- بمیرد؛ شهید مرده است... بخشیده شده مرده است... توبه کار مرده است... با ایمان کامل مرده است... بر سنت و جماعت مرده است... فرشته مرگ و سپس نکیر و منکر او را به بهشت بشارت می دهند... با نوای شادی به بهشت می رود، همان گونه که عروس با هلله به خانه شویش می رود... دو در از قبرش به بهشت گشوده می شود... خدا قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمتش قرار می دهد. آگاه باشید که هر کس با کینه خاندان محمد بمیرد روز قیامت در حالی

میآید که بین دو چشم او نوشته شده: از رحمت خدا ناامید است و این شخص کافر مرده است و هرگز بوی بهشت را نخواهد شنید». (فخر رازی، 1421، ج 27، ص 166).

همچنین نقل شده در حدیثی به نام «سفینه» پیامبر-ص- فرمودند: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةٍ نُوْحٍ مَن رَكَبَهَا نَجِيَ وَمَن تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (ابن حنبل، 1430، ج 2، ص 785، ح 1402؛ حاکم نیشابوری، 1406، ج 2، ص 343، ح 3312؛ طبرانی حنبلی، 1420، ج 4، ص 4، ح 3478؛ متقی هندی، بی تا، ج 1، ص 172)، «اهل بیت-ع- همانند کشتی نوح هستند که نجات و هلاکت انسان، بسته به راه یابی و یا عدم راه یابی به آن کشتی است (هیثمی، 1417، ص 184). حدیث «ثقلین» نیز در این زمینه، مقبول ترین روایت در فرهنگ حدیثی فریقین است که از سوی سی و چهار صحابی نقل شده و توسط حدود دویست نفر از بزرگان و محدثان اهل سنت نیز گزارش شده که پیامبر اکرم-ص- فرمود: «إِنَّ نَبِيَّ تَارِكٌ فَيْكُمُْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، أَوْ لَهُمَا كِتَابٌ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ» (ترمذی، بی تا، ج 2، ص 308؛ نسایی، 1407، ج 5، ص 45؛ ابن لبی شیبه، 1409، ج 7، ص 176؛ هیثمی، 1408، ج 1، ص 170)، بر پایه دلالت و پیام روشن این حدیث، راه نجات مسلمانان از گمراهی و اختلاف های فکری و حتی سیاسی، و محور و مبناي فهم درست شریعت بعد از پیامبر-ص-، تمسک به دو اصل خطا ناپذیر قرآن و عترت (ثقلین) است. این دو، تا قیام قیامت از یکدیگر جدا نخواهند شد (هیثمی، 1417، ص 230). همان گونه که قرآن از تحریف و تغییر مصون است، اهل بیت عترت-ع- نیز، از لغزش به دور خواهند بود. شاید به همین دلیل است که امام شافعی از امامان بزرگ اهل سنت، معتقد بود که محبت خاندان رسالت-ص- حکم واجبی است که خداوند در قرآن دستور داده و برای نشان بزرگی و فضیلت ایشان همین کافی است که اگر کسی بر آنها در نماز سلام و صلوات نفرستد نمازش ادا نخواهد شد:

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ
أَنْزَلَهُ

فَرَضُ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ

يَكْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْفَخْرِ أَنْزَلَكُمْ
لَهُ

مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ

ترجمه: ای آل محمد محبت شما واجبی است که خدا آن را در قرآن نازل کرده و همین يك دليل بر عظمت قدر شما کافی است که هر کس نماز بخواند و بر شما درود نفرستد نمازش نماز نیست. (المصطاوی، 1430، ص 62).

بدون شک یکی از علل این احترام از سوی مذهب مخالف به اهل بیت-ع- این است که ایشان همواره در راستای تحقق وحدت امت اسلامی تلاش نموده و در گفتار و رفتار خود، با محور قرار دادن قرآن و

سیره رسول اکرم-ص- در جهت تعلیم معارف دین و حفظ آن در میان امت اسلامی حرکت می کردند. اخلاق حسنه و نوع تعامل ایشان با علمای اهل سنت موجب شد که بسیاری از ایشان از محضر ائمه-ع- استفاده علمی کنند. چنانچه چهار فقیه بزرگ اهل سنت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در محضر اهل بیت-ع- شاگردی کرده و به عظمت علمی ایشان اعتراف داشتند. چنانچه ابوحنیفه در بیان عظمت امام صادق-ع- گفته است: «لَوْلَا السِّنْدَانُ لَهَلَكَ الذُّعْمَانُ»: اگر آن دو سالی که نزد امام صادق-ع- شاگردی کردم نبود، هلاک می شدم. (ابن اثیر، 1403، ج 1، ص 186). مالک بن انس نیز در مورد امام صادق-ع- می گوید: «در علم و عبادت و پرهیزگاری، برتر از جعفر بن محمد هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است» (ابن حنبل، بی تا، ج 2، ص 114؛ حاکم نیشابوری، 1406، ج 3، ص 109).

حاکم نیشابوری درباره نقش اهل بیت پیامبر-ع- در وحدت جامعه اسلامی، از ابن عباس روایتی این چنین نقل کرده است: «الذُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْاِخْتِلَافِ. فَإِذَا خَالَفَتْهُمْ قَبِيلُهُ مِنَ الْعَرَبِ اِخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ؛ ستارگان باعث مصونیت زمینیان از غرق شدند و خاندان من باعث در امان ماندن امت از تفرقه و پراکندگی اند. هرگاه گروهی از عرب با اهل بیت من مخالفت کنند، به تفرقه و چند دستگی مبتلا می گردند و از حزب شیطان محسوب خواهند شد» (حاکم نیشابوری، 1406، ج 3، ص 149؛ متقی هندی، بی تا، ج 12، ص 102).

امروزه نیز می توان با تمسک به سیره اهل بیت-ع-، میان علمای شیعه و سنی رابطه و تعامل برقرار کرد و با پیروی از ایشان، کرسی های علمی را همراه با رعایت اصول اخلاقی و با معیار حق و انصاف و لحاظ مصالح همه مسلمین دائر کرده، به تبادل علمی بپردازند و در نتیجه ی این روابط، انسجام اسلامی میان پیروان دین حضرت محمد-ص- آن چنان استوار گردد که دسیسه های کفار نتواند آن را متزلزل سازد.

(ب) پایداری در برابر دشمن مشترک

به یقین یکی از مهمترین مبانی ارزشی وحدت اسلامی، پایداری در مقابل دشمن مشترک و توطئه ها و دسیسه های دشمنان این دین جهانی است. رسول خدا-ص- درباره اهمیت این مسئله می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَدُّوْا عِلَايَ مَنْ سِوَاهُمْ؛ تمام مسلمانان مانند یک دست در برابر بیگانگان متحدند» (شوشتری، 1367، ص 77). اهمیت این عامل تا حدی است که برخی اندیشمندان اسلامی مقابله با دشمن مشترک را جزء ارکان اصلی در مفهوم وحدت شمرده و وحدت اسلامی را بر طبق این مبنا تعریف می کنند. از جمله امام خمینی-ره- در تعریف وحدت می فرماید: «وحدت به معنای اتحاد و انسجام برای تحقق آرمان های جهانی و عمیق اسلام و بیرون راندن دشمنان متجاوز و ضد اسلام است» (خمینی، 1374، ج 19، ص 2). همچنین شهید مطهری قائل است: «وحدت یعنی: متشکل شدن مسلمین در یک صف در برابر دشمنان مشترک» (مرتضی مطهری، 1397، ص 234).

وحدت مسلمانان همواره از مهمترین موانع تحقق اهداف استعمار در به اسارت کشیدن آنها بوده است. از این رو است که کارسازترین سیاست استعمار در برخورد با ملتهای جهان به ویژه جوامع اسلامی، شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده که امروزه عملاً به «تفرقه بینداز و ریشه کن کن» تبدیل شده است. سیاست استعمار، گسترش تفرقه از طریق انتقال مشکلات سیاسی و عقیدتی، به صحنه های عملی و نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم است که زنگ خطری برای جهان اسلام است. بنابراین قرآن به مسلمانان سفارش می کند برای ترساندن دشمنان اسلام، آنچه در توان دارند آماده سازند: «وَ اَعَدُّوا لَهُمْ مَآ اسْتَطَاعْتُمْ» (انفال/ 60). حال چه نیرویی برتر از وحدت مسلمانان، موجب ترس دشمنان می شود.

تلاش دشمنان اسلامی در حذف عوامل وحدت آفرین بسیار گسترده است، آنها برای اجرای نقشه های خود، گاه از خود مسلمانان بهره میگیرند. شناخت این توطئه ها بسیار مشکل و رویارویی با آنها دشوار، اما ممکن است. چنانچه امام خمینی -ره- با گسترش فرهنگ وحدت، بسیاری از دسیسه های مخالفان جهانی وحدت اسلامی را آشکار ساخت و مقصد و اهداف شوم آنان را به همگان شناساند. ایشان در یکی از سخنرانی های خود فرمود:

«دولتهای استعمارطلب با دولتهایی که میخواهند ذخایر مسلمین را ببرند، با وسیله های مختلف با نیرنگ [های] متعدد، دول اسلامی را اغفال می کنند. گاهی به اسم شیعه و سنی اختلاف ایجاد میکنند... . در دول اسلامی بین طوایف مسلمین به اسم اسلام و به اسم مذهب چیزهایی پخش می کنند، تبلیغاتی می کنند که طوایف مسلمین به جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنی پیدا کنند و آنها به ذخایری که مسلمین دارند، دسترسی پیدا کنند و نتوانند مسلمین کاری انجام دهند» (خمینی، 1374، ج 1، ص 323). و در جای دیگر می فرماید: «... غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تا-به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند» (خمینی، 1374، ج 21، ص 86). ایشان وحدت اسلامی در مقابل دشمن مشترک را اقتضای عقل می دانند: «باید با هم باشیم و در مقابل آنها محکم بایستیم؛ و با خودمان رئوف باشیم و در مقابل دشمنانمان، سرسخت؛ این را عقل اقتضا می کند که وقتی عده ای مخالف داریم، خودمان مخالفتمان را کنار بگذاریم تا به وحدت کلمه برسیم» (خمینی، 1374، ج 18، ص 204).

امام خمینی -ره- وحدت را عامل مقابله با دشمن می دانست و می فرمود: «وقتی دست به هم دادیم و همه شدیم یه واحد و علی مَن سواه (دست واحد در مقابل دیگران)، اگر دست واحد شدیم، هیچ کس نمی تواند به ما ضرری بزند. آن روز به ما ضرر می خورد که خلل در وحدت ما پیدا بشود». (خمینی، 1374، ج 17، ص 384) و فرمودند «مؤمنون إخوة هستند. اگر این اخوت ایمانی در سرتاسر کشور ما محفوظ بماند و هر کسی برای خودش توجه به خود نداشته باشد، توجه به مقاصد داشته باشد و خودش را برای مقصدش

بخواهد، هیچ کس نمی تواند به این کشور تعدی کند و اگر خدای نخواستہ اخوت ایمانی سست بشود، آن روز است که رخنه می کنند؛ شما را به جان هم می ریزند و استفاده اش را قدرت های بزرگ می کنند. من امیدوارم که اگر با وحدت کلمه و با اخوت ایمانی محکم بایستید، می توانید این کشور را از حوادث دهر حفظ کنید» (خمینی، 1374، ج 17، صص 435).

بنابراین مسلمانان تنها در صورتی می توانند نقش تأثیرگذار خویش را حفظ و از موجودیت خود دفاع کنند و ندای رسالت محمدی-ص- را به گوش جهانیان برسانند که نخست وحدت را در میان افراد جامعه خود استوار کرده باشند، در این صورت است که از هرگونه مواجهه با دشمنان عاجز خواهند ماند (حکیم، بی تا، ص 135).

نتیجه گیری

وحدت اسلامی برای آنکه پایدار و ماندگار شود ناگزیر باید بر مبانی استواری بنیان شود. ایمان به «خدای واحد، پیامبر اسلام-ص-، کتاب و قبله ی واحد» از مهم ترین مبانی معرفتی اعتقادی و «محبت اهل بیت-ع- و پایداری در برابر دشمن مشترک» از برجسته ترین مبانی ارزشی همبستگی مسلمانان است. مسلمانان اتفاق عقیده دارند که قرآن موجود در دست همه پیروان مذاهب اسلامی، وحی خداست، عمل به آن واجب و منکر آن کافر است. قرآنی که صریحاً اتحاد و برادری مسلمانان را لازم، و تفرقه و دشمنی میان آنها را نهی نموده است. پس از آنکه قرآن، ملاک تشخیص حق و باطل قرار گرفت، دیگر هیچ عذری برای دشمنی با یکدیگر از مسلمانان پذیرفته نیست. زیرا قرآن جامع بسیاری از اصول و فروع دینی است و امت اسلامی را حول محور باورهای مشترک توحید، نبوت و یک قبله، گرد هم جمع می کند.

همه مسلمانان، حضرت محمد-ص- را به عنوان الگو و سنت ایشان را معیار عمل خود قرار می دهند. این باور، نقش عمیقی در تحقق و تقویت تقریب مذاهب دارد. از این رو یکی از مبانی وحدت، باور به وجود نبی اکرم-ص- است.

امروزه مسئله تفرقه شیعه و سنی، علاوه بر اینکه دست آویز غرب جهت مقابله با جوامع اسلامی است، عامل سلب قدرت مسلمانان در جهت رویارویی با دشمنان اسلام نیز محسوب می شود. از این رو مسلمانان بر مبنای دشمن مشترک، بایستی با تحقق وحدت صفی واحد تشکیل دهند تا از نفوذ بیگانگان در امان باشند.

*قرآن کریم

*نهج البلاغه.

1. ابن ابی شیبہ، عبدالمطلب بن محمد (1409)، المصنف فی الاحادیث و الآثار، (تحقیق: سعید محمد اللحام)، بیروت: دارالفکر.
2. ابن اثیر (1403)، جامع الاصول، بیروت: دار صادر.
3. قرطبی، محمد (1420)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
4. ابن حنبل، احمد (1430)، فضائل الصحابه، (چاپ چهارم)، عربستان: دمام.
5. ابن حنبل، احمد (1433)، فضائل امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، (تحقیق: سعید عبدالعزیز طباطبایی)، قم: موسسه المحقق الطباطبایی.
6. ابن حنبل، احمد (بی تا)، المسند، بیروت: دارالصادر.
7. ابن منظور، محمد بن مکرم (1405)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
8. ابن هشام، عبدالملک، (1375)، سیره ابن هشام، (ترجمه هاشم رسولی)، تهران: کتابچی.
9. ابوزهره، محمد (بی تا)، تاریخ المذاهب الاسلامیه، قاهره: دارالفکر العربی.
10. امین، سعید محسن (1376)، سیره معصومان (6 جلدی)، (ترجمه علی حجتی کرمانی)، (چاپ دوم)، تهران: سروش.
11. بابایی، احمد علی (1382)، برگزیده نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
12. ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، الجامع الصحیح معروف به سنن ترمذی، (تحقیق احمد محمد شاکر)،

13. حاكم نيشابوري، محمد بن محمد (1406)، المستدرک علي صحيحين، بيروت: دارالمعرفه.
14. حسيني فيروزآبادي، مرتضي (1379)، سيماي فاطمه -س- در روايات اهل سنت، قم: وثوق.
15. حسيني همداني، سيد محمد حسين (1404)، انوار درخشان، تهران، كتاب فروشي درخشان.
16. حكيم، سيد محمد باقر (بي تا)، وحدت اسلامي از دیدگاه كتاب و سنت، (ترجمه عبد الهادي فقيهي زاده)، تهران: تبيان.
17. خامنه اي، سيدعلي (1375)، حديث ولايت، تهران: سازمان مدارک فرهنگي انقلاب اسلامي.
18. خسروي، محمد علي (1387)، آرمان شهر وحدت، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).
19. خميني، روح الله، (1374)، صحيفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگي انقلاب اسلامي.
20. ديون پورت، جان (1388)، عذر تقصير به پيشگاه محمد و قرآن، (ترجمه سيد غلامرضا سعيدي)، تهران: اطلاعات.
21. رشيدرضا، محمد (1393)، تفسير المنار، بي جا: دارالمعرفه.
22. زمخشري، محمود بن عمر جار الله (1366)، تفسير كشاف، بيروت: دارالكتب العربي.
23. سبحاني، جعفر (بي تا)، فرازهايي از تاريخ پيامبر اسلام، قم: مشعر.
24. سيوطي، عبدالرحمن بن ابوبكر (1365)، الدر المنثور، بيروت: دارالمعرفه.
25. شوشتري، نور الله (1367)، الصوارم المهرقه، تهران: مطبعه النهضه.
26. شوکاني، محمد بن علي (1419)، فتح القدير، صنعاء: مكتبه الارشاد.

27. صادقي تهراني، محمد(1365)، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامي.
28. صفار، سالم(1383)، سيره پیامبر -ص- در رهبري و انسان‌سازي، (ترجمه غلامحسين انصاري)، تهران: اميرکبير.
29. طباطبائي، محمد حسين(1372)، الميزان، (چاپ پنجم)، تهران: دارالکتب الإسلاميه.
30. طبراني حنبلي، ابوالقاسم سليمان بن احمد(1420)، المعجم الأوسط، (تحقيق: محمد حسن اسماعيل شافعي)، بيروت: دارالکتب العلميه.
31. طبرسي، فضل بن حسن(1333)، مجمع‌البیان فی تفسير القرآن، لبنان: صيدا مطبعة العرفان.
32. طبري، محمد بن جرير(1407)، تاريخ الطبري، بيروت: دارالکتب العلميه.
33. طبري، محمد بن جرير(1415)، جامع البيان عن تأويل آيات القرآن، بيروت: دارالفکر.
34. طوسي، محمد بن حسن(1409)، التبيان، (تحقيق احمد قيصر عاملي)، بی جا، مكتبة الاعلام الاسلامي.
35. فخر رازي، محمد بن عمر(1421)، التفسير الكبير، بيروت: دارالکتب العلميه.
36. قرائتي، محسن(1383)، تفسير نور، تهران: مرکز فرهنگي درس‌هاي از قرآن.
37. قرباني، علي اصغر(1380)، فضائل اهل بيت-ع- از دیدگاه اهل سنت، قم، مرکز پژوهش‌هاي اسلامي صدا و سيما.
38. قرطبي، ابو عبد الله(1422)، تفسير جامع، بيروت، دار احياء التراث العربي.
39. قطب، سيد(1412)، في ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق.
40. القفاري، ناصر بن عبد الله بن علي(1418)، مساله التقريب بين اهل السنه و الشيعة، (چاپ

41. کلینی، محمد بن یعقوب (1373)، اصول کافی، (ترجمه محمد باقر کوه‌کمره‌ای)، چاپ دوم، تهران: اسوه.
42. متقی هندی، علی بن حسام الدین (بی‌تا)، کنز العمال، (تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ صفوه السقا)، بیروت: مؤسسه الرساله.
43. مجلسی، محمد باقر (1403)، بحار الأنوار، (چاپ سوم) بیروت، مؤسسة الوفاء.
44. المصطوی، عبدالرحمن (1430)، دیوان امام شافعی، بیروت، دارالمعرفه.
45. مطهری، مرتضی (1397)، یادنامه علامه امینی، الغدیر و وحدت اسلامی، قم: رسالت.
46. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، یادداشت های استاد مطهری، (چاپ چهارم)، تهران: صدرا.
47. مکارم شیرازی، ناصر (1366)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
48. نسائی، ابو عبدالرحمن (1407)، سنن النسائی، بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی، قاهره، دار الحدیث.
49. هیثمی شافعی، علی بن ابی بکر (1408)، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
50. هیثمی، ابن حجر (1417)، الصواعق المحرقة، بیروت: الرساله.